ذره‌بین

حمله به سه نیروی خدماتی مدیریت پسماند رشت با چاقو

ایرنا| فرد مهاجمی که سه نیروی جمع‌آوری ضایعات سازمان مدیریت پسماند رشت را مورد تعرض قرار داده بود، بازداشت شد.

علیرضا حاجی‌پور، مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری رشت با اشاره به این که سه نیروی جمع‌آوری ضایعات سازمان مدیریت پسماند شهرداری رشت هنگام انجام وظیفه در خیابان تختی مورد تعرض یک فرد قرار گرفتند، افزود: «راننده، کمک راننده و پاکبان جمع‌آوری ضایعات، روز گذشته مورد ضربات چاقوی یک فرد مهاجم قرار گرفتند. این سه نفر به بیمارستان پورسینای رشت منتقل شدند که راننده به دلیل شدت جراحات نیاز به عمل جراحی داشت و دو نیروی دیگر با تشخیص پزشک مرخص خواهند شد. فردی که این سه نیروی خدماتی را مورد تعرض قرار داد، بازداشت شد و علت ارتکاب این اقدام در دست بررسی است.»

۵ کشته در انفجار گاز یک خانه

شهروند| بر اثر انفجار کپسول گاز در یک خانه در خرمشهر ۵ نفر جان خود را از دست دادند. بی‌احتیاطی فردی که با کپسول گاز قصد داشت مسیر فاضلاب آشپزخانه را باز کند، علت این حادثه اعلام شد. سرهنگ نادر سهیلی، فرمانده انتظامی شهرستان خرمشهر در تشریح این خبر گفت: «در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر انفجار کپسول گاز در یک خانه در روستای دربند شرقی شهر خرمشهر، بلافاصله ماموران پلیس و یگان‌های امدادی به محل حادثه اعزام شدند. با بررسی‌های به عمل آمده مشخص شد، فردی به قصد باز کردن مسیر فاضلاب آشپزخانه به وسیله کپسول گاز را داشته که به دلیل انجام این عمل خطرناک موجب انفجار کپسول گاز و سبب مصدوم‌شدن ۵ نفر از اعضای خانواده شد.»

سرهنگ سهیلی در ادامه صحبت‌هایش گفت: «پس از انتقال مصدومان توسط اورژانس به بیمارستان هر ۵ نفر به دلیل شدت جراحات وارده جان خود را از دست دادند.»

زنده به گور شدن ۳ کارگر در آوار خیابان ظفر

شهروند| بر اثر ریزش آوار در یک زمین گودبرداری شده در خیابان ظفر سه کارگر زیر آوار محبوس شدند.

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی تهران با اعلام خبر حادثه ریزش آوار در زمین گودبرداری شده در خیابان ظفر درباره جزییات این حادثه گفت: «ساعت ۱۰:۳۸ صبح روز جمعه حادثه ریزش آوار در یک زمین گودبرداری شده در خیابان ظفر، خیابان گوی‌آبادی به سامانه ۱۲۵ اعلام شد که به سرعت آتش‌نشانان دو ایستگاه آتش‌نشانی با تجهیزات کامل به محل حادثه اعزام شدند. محل حادثه یک قطعه زمین گودبرداری شده به وسعت حدودی ۳۰۰ و به عمق دو متر بود. کارگران در ضلع شرقی دیواره‌های زمین مشغول کار بودند که به یک‌باره بخشی از دیواره‌ها تخریب شد و سه کارگر در زیر آوار محبوس شدند. زمانی که آتش‌نشانان به محل حادثه رسیدند فقط بخشی از بدن این کارگران از زیر آوار معلوم بود که به سرعت آتش‌نشانان ایمن‌سازی‌های لازم را انجام دادند و در هر سه نقطه مشغول کار شدند که در نهایت سه کارگر افغانستانی بین ۲۰ و ۲۵ ساله را از زیر آوار خارج کردند. هر سه کارگر دچار مصدومیت شدند اما وضع دو نفر از آنها وخیم بود که هر سه نفر تحویل عوامل اورژانس و به مراکز درمانی منتقل شدند. سرانجام آتش‌نشانان پس از ایمن‌سازی کامل محل حادثه در ساعت ۱۱:۱۸ به عملیات خود پایان دادند.»

تولد نوزاد عجول در آمبولانس اورژانس

شهروند| مادر باردار اهل روستای «حیدری» از توابع شهرستان بن، قبل از رسیدن به بیمارستان، نوزاد پسرش را در آمبولانس به دنیا آورد.

محسن ابراهیمی، مسئول روابط عمومی مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی چهارمحال‌وبختیاری روز جمعه گفت: «براساس اعلام گزارش به مرکز پیام اورژانس ۱۱۵ شهرستان بن در ساعت ۴ و ۴۵ دقیقه بامداد روز جمعه مادر باردار ۲۵ ساله‌ای دچار درد زایمان شد. پس از دریافت گزارش، تکنیسین‌های اورژانس ۱۱۵ بن به محل اعزام شدند و اقدام‌های درمانی را برای مادر باردار انجام دادند که هنگام انتقال، مادر باردار دچار درد شدید زایمان شد و نوزادش را به دنیا آورد. تکنیسین‌های فوریت‌های پزشکی پس از انجام اقدام‌های پیش‌بیمارستانی شامل کلامپ بند ناف، خشک کردن، پوار دهان و بینی و گرم نگه داشتن نوزاد، مادر و نوزاد را به پرسنل بیمارستان هاجر(س) شهرکرد تحویل دادند.»

۵ مرد در آبادان دختر ۱۷ساله‌ای را در مقابل چشمان نامزدش مورد آزار و اذیت قرار دادند

سحرگاه سیاه دختر نوجوان

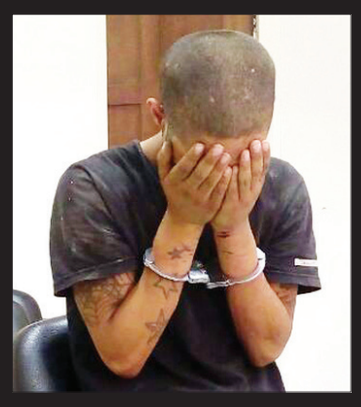

شهروند| ۵ جوان آبادانی در یک سناریوی هولناک از بالای دیوار وارد خانه‌ای شدند و دختر نوجوان را در برابر دیدگان نامزدش مورد آزار و اذیت قرار دادند. نقشه اصلی این ماجرای سیاه را دایی یکی از متهمان که مرد متأهلی است، طراحی کرده و تحت تعقیب ماموران قرار دارد.

سحرگاه دوشنبه ۲۲ خردادماه امسال دختر نوجوانی در خانه مادربزرگش در آبادان سرگرم درس‌خواندن بود و هنوز لحظاتی از ورود نامزدش نگذشته بود که صدای مرموزی از حیاط خانه به گوش رسید. ناگهان چند مرد که چاقو و قمه به دست بودند از بالای دیوار خانه وارد حیاط شده و خودشان را به داخل خانه رساندند. نامزد نسرین با دیدن این صحنه شوکه شده بود که مردان خشن او را هدف ضربات چاقو قرار داده و در ادامه مردان جوان در اقدامی سیاه دختر نوجوان را در برابر دیدگان نامزدش مورد تجاوز قرار دادند.

این مردان شرور پس از اجرای نقشه سیاهشان دست به سرقت وسایل با ارزش داخل خانه زده و پا به فرار گذاشتند که در این مرحله نسرین به پدر و مادرش که در شهر ماهشهر زندگی می‌کردند، تماس گرفت و از آنها درخواست کمک کرد. خانواده نسرین زمانی که به خانه مادربزرگ وی رسیدند و با ماجرای تلخ زندگی دخترشان روبه‌رو شدند، تصمیم گرفتند تا راز این سناریوی سیاه را نزد پلیس فاش کنند.

روز ۲۲ خرداد نسرین همراه خانواده‌اش پای در کلانتری آبادان گذاشت و زمانی که در برابر مامور پلیس قرار گرفت و با یادآوری صفحه سیاه زندگی‌اش شروع به گریه کرد و با صدایی لرزان ماجرا را بازگو کرد و گفت: «به خاطر بیماری مادربزرگم از ماهشهر به آبادان آمدم و در خانه مادربزرگم در منطقه جمشید آباد زندگی می‌کردم. همه چیز خوب بود تا این که شرایط مادربزرگم سخت‌تر شد و به بیمارستان منتقل شد. روز حادثه در خانه سرگرم درس‌خواندن بودم که نامزدم به دیدنم آمد و هنوز لحظاتی نگذشته بود که احساس کردیم کسی وارد حیاط شده است که به همین خاطر نامزدم به سمت در خانه رفت که ناگهان در برابر ۳ مرد چاقو به دست قرار گرفت. مردان خشن ابتدا نامزدم را هدف چند ضربه چاقو قرار دادند و ابتدا فکر می‌کردیم آنها قصد سرقت دارند اما یکی از آنها که مرد ۳۴ ساله‌ای بود، به سمت من آمد و با تهدیدهایش متوجه نیت شوم او شدم. هرچه التماس کردم، بی‌فایده بود اما مرد جوان و دو همدست دیگرش مرا در برابر دیدگان نامزدم هدف نیت سیاهشان قرار دادند و در پایان وقتی که قصد فرار داشتند، طلا و وسایل با ارزش کوچک را همراه خودشان بردند.»

در این مرحله بازپرس پورعسگر از شعبه سوم دادگستری آبادان دستور داد تا تیمی از ماموران دایره جنایی پلیس آگاهی برای دستگیری عاملان این اقدام وحشیانه وارد عمل شوند.

کارآگاهان در گام نخست تحقیقات تصویر آلبوم مجرمان سابقه‌دار را پیش‌روی دختر نوجوان قرار دادند و خیلی زود تصویر ۳ متهم که سابقه‌دار بودند، شناسایی شد. ماموران در این شاخه از تجسس‌ها پی بردند که مرد ۳۴ ساله در همسایگی خانه مادربزرگ نسرین زندگی می‌کند و زمانی که برای دستگیری وی وارد عمل شدند، مشخص شد وی با اطلاع از تحت تعقیب‌بودن پا به فرار گذاشته است. ردیابی‌های پلیسی ادامه داشت تا این که ماموران یکی دیگر از متهمان پرونده که خواهرزاده متهم اصلی پرونده است را شناسایی کردند و مخفیگاه و محل رفت‌وآمدهای وی تحت نظر ماموران قرار گرفت.

دستگیری نخستین متهم

ماموران روز ۲۷ خردادماه با اقدامات فنی و تخصصی پی بردند که یکی از متهمان پرونده در خیابان اروسیه، بلوار ولایت سوار بر موتورسیکلتش در حال پرسه‌زنی است.

همین کافی بود تا تیم‌های ویژه برای دستگیری این جوان وارد عمل شوند و در حالی که متهم به صورت نامحسوس تحت‌نظر قرار داشت، ماموران متوجه شدند که وی قصد کیف‌قاپی دارد که در این لحظه ماموران دست به کار شده و این جوان شرور را دستگیر کردند. مهدی ۲۳ ساله در تحقیقات ابتدایی ماموران خود را بیگناه می‌دانست اما وقتی در برابر دختر جوان قرار گرفت، به ناچار لب به سخن باز کرد.

مهدی روز ۲۸ خردادماه برای افشای جزییات این پرونده پیش‌روی بازپرس پورعسگر قرار گرفت و گفت: «ما ۵ نفر بودیم. شب حادثه در خانه دایی‌ام در حال استراحت بودم که دایی ابوذر به سراغم آمد و در مورد دختر نوجوانی که در همسایگی آنها زندگی می‌کرد، صحبت کرد. دایی می‌گفت که دختر همسایه به خاطر بیماری مادربزرگش از ماهشهر به آبادان آمده و چند روزی است که مادربزرگش به بیمارستان رفته و در خانه تنهاست و گاهی اوقات پسر غریبه‌ای سوار بر پراید در جلوی خانه آنها توقف کرده و به خانه دختر نوجوان می‌رود. همسر و فرزند ابوذر خواب بودند و تا این که ساعت ۵ صبح تسلیم وسوسه‌های ابوذر شدم و تصمیم گرفتم همراه ۴ تن از دوستانمان به خانه دختر نوجوان برویم و او را در برابر چشمان پسر جوان مورد آزار و اذیت قرار دهیم.»

مهدی گفت: «همگی چاقو و قمه به دست بودیم و از بالای دیوار وارد خانه شدیم و ابتدا به سراغ پسر جوان رفتیم و او را به باد کتک گرفتیم، سپس به سراغ دختر نوجوان که جزوه‌های مدرسه‌اش در برابرش بود، رفتیم و در همین لحظه متوجه شدیم پسر جوان نامزد این دختر است. دیگر نمی‌توانستیم تصمیمی که گرفته بودیم را عملی نکنیم و در این لحظه درحالی که نامزد دختر نوجوان هدف ضربات چاقو قرار گرفته بود و از ترس قدرت اعتراض نداشت و هر ۵ نفر دختر نوجوان را به صورت جداگانه هدف آزار و اذیت قرار دادیم. پس از اجرای نقشه‌مان در زمان خارج‌شدن از خانه اقدام به سرقت وسایل با ارزش کرده و به سرعت پا به فرار گذاشتیم. پس از اجرای نقشه‌مان فکر می‌کردیم دختر نوجوان و نامزدش از ترس آبرویشان از این ماجرا حرفی نمی‌زنند و اقدام ما پنهان می‌ماند که چند روز بعد از دایی ابوذر شنیدم که تحت تعقیب هستیم و او که در همسایگی خانه دختر نوجوان بود، پا به فرار گذاشت.»

ظهارات نامزد دختر نوجوان

نامزد این دختر که در دادسرا حضور داشت، درباره روز حادثه به بازپرس گفت: «نسرین در خانه مادربزرگش تنها بود که برای دیدنش به خانه‌شان رفتم و پس از چند ساعت وقتی از خانه خارج شدم، فهمیدم که ریموت در خانه پدری‌ام در خانه نسرین جا مانده و زمانی که به خانه بازگشتم، در حال صحبت با همسرم بودم که ناگهان ۳ مرد وارد خانه شده و این صحنه تلخ را با زخمی کردن من رقم زدند.»

دستگیری دومین متهم

پس از افشاگری مهدی به اقدام سیاهشان تجسس‌های پلیسی برای دستگیری دیگر همدستان وی به دستور بازپرس پرونده کلید زده شد تا این که مخفیگاه محمد در منطقه ایستگاه ۱۰ قدس آبادان ردزنی شد.

کارآگاهان سحرگاه ۳۱ خردادماه برای دستگیری محمد وارد عمل شدند و این متهم که سرگرم مصرف مواد مخدر بود، دستگیر شد.

این متهم ابتدا سعی داشت با داستانسرایی‌هایش خود را در ماجرای اقدام سیاه دوستانش بی‌گناه معرفی کند اما وقتی دید مهدی پرده از راز این ماجرا برداشته، لب به اعتراف گشود.

بنا به این گزارش، با دستور بازپرس پورعسگر تحقیقات فنی ماموران آبادان برای دستگیری دیگر متهمان این پرونده ادامه دارد.

آژیر

سقوط آزاد کارگر نصاب داربست از طبقه ششم در پایتخت

شهروند| سقوط ۶ طبقه‌ای کارگر نصاب داربست به هنگام کاربرروی داربست‌های فلزی موجب مصدومیت شدید وی شد. همزمان با رخداد این حادثه و تماس شهروندان با سامانه ۱۲۵، ستاد فرماندهی سازمان آتش‌نشانی تهران، به سرعت آتش‌نشانان ایستگاه ۸۹ را ساعت ۱۰:۲۶ صبح روز جمعه روانه خیابان پاسداران خیابان قبا کرد. رضا شقاقی رئیس ایستگاه ۸۹ آتش‌نشانی درباره این حادثه گفت: «یک کارگر نصاب داربست روی داربست‌های فلزی یک مجتمع مسکونی ۱۲ طبقه درحال ساخت، سرگرم کار بود که ناگهان از روی داربست‌ها و از طبقه ششم آن به طبقه همکف سقوط کرد.» وی با اشاره به آسیب‌دیدگی شدید این مرد ۲۵ ساله افزود: «آتش‌نشانان به محض رسیدن به محل حادثه، ضمن ایمن‌سازی محل با استفاده از تجهیزات مخصوص، مشغول امدادرسانی به کارگر مصدوم شدند.» رئیس ایستگاه آتش‌نشانی در ادامه گفت: «این شخص که از ناحیه سر، کتف و قفسه سینه به‌سختی مجروح شده بود، توسط نیروهای آتش‌نشانی با احتیاط کامل از محل حادثه به بیرون از ساختمان منتقل و جهت اعزام به بیمارستان، تحویل کادر پزشکی اورژانس حاضر در محل شد.» گفتنی است، درحال حاضر علت وقوع این حادثه توسط کارشناسان این سازمان درحال بررسی است.

برخورد کامیون و اتوبوس با ۲۱ کشته و ۲۰ مجروح

برخورد کامیون با اتوبوس در برزیل دست‌کم ۲۱ کشته و بیش از ۲۰ مجروح برجای گذاشت. در این حادثه، کامیون در جهت مخالف و در مسیر اشتباه با اتوبوس برخورد کرد که در پی این حادثه، اتوبوس آتش گرفت و اکثر قربانیان بر اثر سوختگی جان خود را از دست دادند. این حادثه که در نزدیکی منطقه «ویتوریا» (Vitoria) واقع در استان سائوپولو در جنوب برزیل رخ داد، برخی از خودروهایی که در پشت این اتوبوس قرار داشتند نیز جزو حادثه‌دیدگان این سانحه بودند. جزییات بیشتری از این حادثه مخابره نشده است.

سرقت‌های سریالی با تنه‌زدن به مردم

شهروند| «دعوای صوری به بهانه تنه‌زدن، دادوبیداد و کتک‌کاری ساختگی و پس از آن سرقت از طعمه‌ای که او را زیر نظر داشتند» این شگرد باندی سه نفره از سارقان پایتخت بود که چند روز پیش از سوی پلیس دستگیر شدند. سردسته این باند، جوان ۲۵ ساله‌ای است که مدعی است تأمین هزینه اعتیاد او را به این راه کشانده‌است.

اظهارات یکی از مالباختگان

ماجرا از شکایت مردی به پلیس آغاز شد. او سراسیمه به اداره پلیس رفت و مدعی شد که هدف سرقت عجیبی قرار گرفته است. در اظهاراتش به تیم تحقیق و تجسس پلیس پایتخت گفت: «من تازه از بانکی در مرکز شهر خارج شده بودم، خیلی هم عجله داشتم، به‌سرعت در پیاده‌رو در حال حرکت بودم که ناگهان با پسر جوانی تنه به تنه شدم. درواقع پسر جوان به من تنه زد. با این که ضربه محکمی به من زد، اهمیتی ندادم و به‌سرعت به مسیر ادامه دادم. اما پسر جوان دست‌بردار نبود، دنبال من راه افتاد و شروع به فحاشی کرد. به سمت من هجوم آورد و یقه من را محکم گرفت و به دشنام‌هایش را ادامه داد، من هم که دیگر تحمل حرف‌های رکیک او را نداشتم، کنترلم را از دست دادم و با او درگیر شدم، چندتایی مشت و لگد بین ما رد و بدل شد، دعوا بالا گرفت، مثل همه نزاع‌های خیابانی چند نفری آمدند و ما را از هم سوا کردند. وقتی دعوا تمام شد و من کمی آرام‌تر شدم، تازه متوجه شدم که از من سرقت شده است. همه پول‌هایی را که از بانک گرفته بودم همراه با تلفن همراهم دزدیده شده بود.»

او در ادامه اظهاراتش به پلیس گفت: «من مطمئن هستم که این یک دعوای ساختگی بوده تا از من سرقت کنند. آن پسر جوان عمدا به من تنه زد و درگیر شد تا همدستانش به بهانه جداکردن و خاتمه درگیری اموال من را سرقت کنند. من فکر می‌کنم آنها از هنگامی که وارد بانک شدم، من را زیر نظر داشتند.»

با پایان صحبت‌های این مالباخته، پرونده‌ای با عنوان سرقت در شعبه پنجم دادسرای ویژه سرقت تهران تشکیل شد. علی وسیله ایرد موسی، بازپرس ناحیه ۳۴ این پرونده را برای ادامه تحقیقات در اختیار اداره هفتم پلیس آگاهی تهران قرار داد.

در حالی که تحقیق و بررسی در خصوص این پرونده ادامه داشت، گزارش یک سرقت مشابه به پلیس پایتخت اعلام شد. ماجرای این درگیری که از طریق شهروندان پلیس اعلام شده بود، تقریبا شبیه همان نزاعی بود که چند روز قبل در مقابل یکی از بانک‌های مرکزی شهر رخ داده بود. ماموران با حضور در محدوده چهارراه مولوی متوجه شدند که در این درگیری هم پای یک پسر جوان درمیان است که به بهانه تنه به تنه شدن، اقدام به فحاشی و درگیری کرده است و پس از آن چند نفری برای ختم غائله وارد دعوا شده‌اند. پسر جوان خیلی زود در همان محدوده درگیری از سوی پلیس دستگیر و به اداره آگاهی منتقل شد. در بررسی‌های بیشتر مشخص شد، طی چند روز چندین فقره سرقت مشابه در نقاط مرکزی پایتخت رخ داده که همگی مالباختگان مدعی بودند، از سوی پسر جوان و لاغراندامی به صورت باندی طعمه درگیری صوری و سرقت شده‌اند. مشخصاتی که مالباختگان از پسر جوان شروع کننده دعوا به پلیس اعلام کرده بودند با مشخصات ظاهری جوان دستگیرشده در حوالی چهارراه مولوی همخوانی داشت و بهانه درگیری هم مشابه همه سرقت‌ها گزارش شده بود.

سردسته معتاد باندسارقان

در ادامه پسر جوان تحت بازجویی‌های فنی پلیس قرار گرفت و پس از آن که با شاکیان پرونده روبه‌رو شد، لب به اعتراف گشود و انجام چندین فقره سرقت‌های سریالی را همراه با دو همدستش پذیرفت. این جوان ۲۵ ساله برای ادامه تحقیقات به دادسرای ویژه سرقت پایتخت منتقل شد و در برابر بازپرس ایرد موسی گفت: «من برای تهیه مواد مجبور شدم دست به سرقت بزنم. من ۴ سال است که مصرف‌کننده هستم و خرید مواد هم پول می‌خواهد و برای همین با دو نفر از دوستانم همدست شدم و یک باند سرقت تشکیل دادم.» او درباره شناسایی طعمه و نحوه سرقت از آنها هم توضیح داد: «من ابتدا افرادی را که از بانک با پول نقد خارج می‌شدند، شناسایی می‌کردم؛ سپس به همدستانم اطلاع می‌دادم تا گوش به زنگ باشند، در یک فرصت مناسب به سمت طعمه می‌رفتم و به او تنه می‌زدم و درگیر می‌شدم، پس از چند دقیقه همدستانم به‌عنوان رهگذر برای سواکردن وارد درگیری می‌شدند و جیب او را خالی می‌کردیم.»

پس از اقرار این پسر جوان، کارآگاهان آگاهی دو همدست این سارق معتاد را هم دستگیر کردند و هر سه نفر آنها برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار ماموران پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران قرار گرفتند.